

جای اداره کسب

میر - غلامین آسمانی

ملک آفات و مکتب

باید عنوان دریل باشد

جنگل

مراد چارنره طبع و توزیع خواهد

مکتب نمره فتنه شاهی

کتابخانه

۱۳۳۵

تخصیص اجرت لوامح و غلامان
فصلی با دفتر اداره است

مکاتیب بدون امضاء

و عنوان پذیرفته نشود

در اشراک خطه نمره در وقت مقرر

قیمت اشراک

کیار ۵۰ قران

تاریخ یکشنبه نوزدهم جمادی الاولی ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نگاهبان حقوق ایرانیان و منظور افکار اسلامیان است

فاجعه عظیمه در اسلام - و علی الاسلام والسلام

بنا به اخبارات واصله تشون انگلیس دستور داد تشون را امر و مزبور ابراهیم آقا که داشته تحف اشرف را محاصره کرده
 باشم تشیب عطیه عرب کنبند و مرقد مطهر حضرت مولی الموالی امیر المومنین علیه السلام را بتوپ بست و در آن
 سلام آقا سید علی که از عمایه اسلام و مرجع تقلید مسلمین است بدار زد. بطور کلی این خبر نارمیده هنوز جزئیات
 استخاری نداریم. اینک بایک دنیا الم و اندوه میگویم:

ایرانی میر که حق حیات بداری، ایرانی محو شو که سر او از زندگی نیستی، ایرانی معدوم شو که در خود احدی
 ایرانی نیست باش که شایسته نیستی هستی.

ای ایرانی ای مردود اقوام و ملل سابره ای ایرانی ای اربل ام ای ایرانی ای لایق اسارت و بندگی
 پایمال باش که حق این است پایمال سوی زیران دین داری نه غیرت نه شرف داری زادت رس نشند
 حرم مقدس سلطان خراسان را بتوپ بست ساکت اندید بجز این بی حتی و لاقیدی بنور هم گرفتار قتل و غارت
 و محط و غلامند.

اینک انگلیس مرقد مطهر شاه ولایت را بمبارده کرده و بمهد مرجع تقلید را بدار زده از هم و بخود انکرت
 و خودگی خرده آید. این دفعه هم در مقام قصاص بر نیامده و تحریک نشود و میدانیم که اید از تحریک نخواهید شد
 بی شبهه با جمال شباب بدرکات قاپر تاب خواهید شد باید هم بشوید. چرا؟

بلی که ناموس و غیرت و همه مقدسات الهیه را بخرود حق بفرود شد غنی که اعتبار و حیثیت خود و همه
 حقایق دینی را باندک رشوه بیاد و بد چنین طتی باید نابود شود باید مدفن پاک نیاکان ما از لوث وجود
 این مردم ناپاک نمره گردد.

ای ایران ای موجود نام آوران ای بنگاه دایران بگر که جا بجا تو را چه ناکانی است کن گشته ای بفر
 اسلام ای شیران حافظ دیانت لحظه سزا خاک برداشته متوجه باشید که چگونه کجاست بید نیانی که دیانت

معموم ایالات و ولایات و ایلات و
عشایر ایران .

پلیک و سیاست خارجه دولت انگلستان
نیت بایران از سالیان دراز تا کنون بطوری بود
که جوان بعد از این احتمال بوضعهای صافه نکراد
در باره ایران واد و روابطه بمان اسلوب سیاست
سابقه دولت مشارالیه در مملکت ما انواع مذخلات
استقلال شکن از قبیل تأسیس پلیس جنوب و غیره که
شرح و تعداد آن لطاب طالت آورست نموده

و با وجودی که کله عالم صدای رسای خود را در
حلقه استقلال و آزادی و عدم الحاق نیت به مملکت
و دولت ملت بلند کرده و مخصوصاً مملکت ایران
نموده که تازه کی از فشار رژیم سابق دولت مقتدره
روس (دستار دولت انگلیس) خلاص شده
بخواهد نفسی بر حتی بکشد و خود را آرائی نموده بوحیات
سعادت و ترقی و تعالی خود را فراهم و شرف تاریخی
خود را زنده و حلقه سازد و وزیر را قبولت و آ
سیاستی احدی از اجانب نباشد و رشد سیاسی خود را
بهره بر روز و ظهور ماورد .

بازیم دولت انگلیس فقیر رویت بد خود را
از نظر فراموش کرده بلکه پلیس جنوب که سهل است
بجای تأسیس پلیس در صفحات دیگر حتی نهال افتاد
و برای نمونه و خیالات دیگر حده از نظایان خود را
با تو بیل از این خط عبور داده و اگر چه فدایان
اقتراضات خود را بمقامات لازمه البلاغ و در صورت
عدم انصراف اولیای دولت مشارالیه از به گونه
تقصیحات فایز براندازد اصح بانصیحات ناچار فدایان
بر حسب ذلفه اسلاطنت ویرانیت در مقام دفاع

اعلامیه زبانی که برادر دانه خود را یادگار اطلاق نامی
میکنند ای ایرانی ای مصدق حقیق حدیث شریف
سیاقی زمانا علی شیخی وینم و ما یریم و خلیتم تا هم
تف بر سما ، اف بر سما

ای بزرگان . ای شراف . ای نجبران . ای
کارگران ای ایلات وای عشایر ای علما ، وای امرای
انگلیس نه شما مملکت شمارا می بلعد بلکه تمام اعتبارات
دینی و مقدمات دینی شمارا که کوب کرده معبد
بزرگ و مرتضی نام بزرگوار شمارا بچوب نیت دیگر چرا
ساکنید و چگونه آرامید .

بزار افسوس میدانم که ناله های مانی اثر است
کابوس میخیزی و بختی بقدری با ایرانی مسلط است که باین
نوا و آواز از آنده بخش نخواهند کرد

ما این آهنگ آینه با اندوه و سوگواری عموم مسلمانان
خاندان مسلمانان نامی ایرانی را متوجه سافه میگویم .

که ما وطن درین خود را دوست داشته و در این وقت
این مظلوم انگلیس دشمن اسلام از پای نخواهیم کشید
ما ذلفه خود را در میان کرده ایرانی اد میکنیم .

شما بشید بانی دیانتی و بختی و اخلاص مرعاب
صدای کندی رنگ در دنبال شماست دست از گریبان
شما بر نخواهد داشت .

عظم الله احوالکم
بناتبت ایام رحمت ناموس کبرای الهی
حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و برای این
محیبت ثانی که از مظلوم انگلیس ببار روی داده مردم
مسلمانان را عزت میگویم

ملکراف
سحر المال

ایستاده و تا آخرین قوای خود مقاومت خواهند کرد
 لیکن چون مشارالیه از این قبیل اقدامات و سایر نقاط
 ایران مشغول و نیز با کابینه حاضره داخل در مذاکراتی است
 که ابد معلوم نیست مفید بحال ایران و منفعت مملکت
 ما باشد و اگر چه هرگونه قرارداد در غیاب مجلس
 مقدس شورای ملی بی اثر خواهد بود لیکن لازم است
 مسلمانان و علاقه مندان با قیمت وطن با این
 تبلیغات بیخانه خود را مقنن اعتراض با اقدامات فوق
 بخاکهای مبارک اعطی حضرت اقدس ملوکانه سلطان
 احمد شاه قاجار خداوند ملکه و بهیت و ذری عظام
 و سایر مواضع لازم برسانند و آنچه لازمه فداکاری
 و ضایع ایران دوستی است ایشان نمایند حضرت و
 امارت دولت و من و شستی ناکی ...

این الله لا یغیر ما بقوم حتی ینظروا انما ینظرون
 بسیار بسیار بوقوع است اگر با دلی روشن و بی شک
 و عزمی سخت محکم قیام بوظایف اقصایت و امانت
 و ایرایت و استقلال وطن خودمان نمایند
 پس لا انسان الا ماضی بدت من تحت نیک انگیز
 اگر به جویم نیک احتریم به بیدار و بیدارگر نگرویم
 که مانده و اگر دادیم .

بیت اتحاد اسلام
 تنها دشمن

عنوان فوق بالطبع نظر هر ایرانی خواهد بود
 جلب و هر وطن پرستی فطرت است که (شهادت)
 معرفی شود و ایرانی او را بشناسند .
 اینک معرفی میکنیم ولی بشرط اینکه ایرانی اول
 باشد و دستیکه شافت بوزن معرفت خود عمل
 کند .

این نهاد دشمن کیت ؛ انگلیس این کیکه خصوص
 اختصاصی با ایرانی و ایران ندارد دشمن نوع خصم
 هستی تمام ملل است .

روز هجرت و میدان این ملت روز سلب آبرایش
 دنیا بوده و کدام ملت و مملکت است که از پیش زهر
 آلود این موزی سهم و قسمت تلخ و کشنده خود را
 برده است .

حادث و حوصش قابل ضرب الشل شدن تاجدار
 و تهدیات او را باید با طمهای خونین در سینه تاریخ در گذار
 یت و ضبط کرد .

آخرین خیانت نسبت بعالم بشریت بر پا کردن
 این جنگ عمومی و این بلاهای سهمین است که از روی
 حادثات ترقیات اقتصادی آلمان دنیا را برای
 خون کرد و منجر است آن را نیز مانند پر فعال بلند
 و اسپاتی و فزانه از میدان کلبت بیرون کند .
 تاریخ نویسی لازم نیست و باید بر وجهی با وضع
 کنونی ایران و حوادث چندین ساله او که در دوره
 که از دست و بیاد ملت بریتانی چه بر سر این مملکت
 آمده است .

از چند سال قبل در انگلیس با بار و ابله پیدا کرده تا
 کنون جز بدبختی و خسارت چیزی دیگری حاصل نشده
 و به نسبت خساراتیکه ما بردیم استفادات غیر قابل
 انکار کرده و باید ا پاس آنچه مساعدت ما بقدرت
 موافی مذکور .

تا پیون بنا بارت برای مرقم مساعدت مادی و معنوی
 با این حاضرند و اگر فصلی شاه انگلیس با ابرج بنیاد
 از کجا معلوم که از آن تاریخ نظام جدید بنیاد شیم ولی بر
 از فرانسه برده و با این مبارزه بی منتقت بود .

از تاجیک دست استیلای غاصبان خود را برهند گداشت
 جهان نبتی که بقای هندوستان علاقه مند بود و بجا
 نسبت طالب ماندن ایران شد و در قرن اخیر که تمام
 خرابه های دنیا بسرعت برق رو برتی گداشتند
 ایران این معدن مستعد آبادانی این مرکز یک
 قسمت هم دنیای قدیم از اثر دسایس انگلیس چرا
 و دیرانه بالاخره برای نمونه زندگانی عهد حضرت
 آدم ابوالبشر ماند.

ایران برای چه بی راه آهن ماند ؟
 برای اینکه انگلیس باروس رقابت و شت و یحوا
 یک صحرای خمر غیر قابل عبوری در وسط هند و روس
 باشد آیا بی راه بودن و وسایل حمل و نقل در آن
 برای یک ملکتی کم مضر است ؟
 مرکزیت دولت ایران بدست کدام دشمن بزم
 خورد ؟

بدست انگلیس و او اول دولتی است که با ایلات
 و عشایر ایران داخل مذاکرات و معاهدات جداگانگانه
 و بد لگرمی خود دولت ایران را در نظر روسای عشایر
 غیر موثر نشان داد.
 مستطه بحرین حق حفاظت خلیج فارس و غیره
 بواسطه انگلیس از دست رفت.

انگلیس به چوخت راضی به قدرت و قوت دولت
 ایران نبود و همیشه حکومت طهران را دست خوش
 ارادات جانسین هندوستان میخواست.
 اینها همه تاسخ اظهار دوستی انگلیس است با ما
 یعنی ده سال قبل که منور روس تقریب نخبه بود
 ولی از ده سال باطرف که در حقیقت مدت فارت
 هستی ایران است تا آنکه انگلیس مستقیماً با غیر تقیم

یعنی بدست دولت مستبده روس چه بر سر ایران
 آورده است ؟

تقویم تقسیم ایران بدو قسمت تمام دو منطقه تقویم
 ثانیاً بر دسها اجازه دادن و تسویح کردن به
 گونه مداخلات غیر مشروع و خود بعد از روس اجرای
 همان معاملات در منطقه خوش.

ثالثاً شناساندن معاهده ۱۹۰۷ یعنی تقسیم
 ایران در بار طهران.

رابعاً روسها را برای رضایت خاطر در بار تزاری
 و فرانسه در امور ایران خود سر و پله گذاشتن
 آیا مجلس دوم و تجلیل مواد او تنها توهم فطاری
 روسها بود ؟ خیر مؤسس انگلیس بوده :

باور دارید کتاب نارنجی رجوع کنید و میباید
 که سراد و اردگری به سازانف و تکراف میکند
 و (با کلمه رنگی) به بطور و کردار چه مخابراتی دارد ؟
 بعد از او تنها توهم پشرفت روسها محمل توبه انگلیسها
 شد و برای اینکه از افکار عمومی مسلمانان سدی
 مقابل پشرفت روس بطرف هند باشد بدست
 انگلیس فجامع آند با بجان و مشهد خاطر است
 بس سنگین و سنگین بیادگار در تاریخ اسلام
 ایران گذشت و این اثنا جنگ عمومی شروع
 شد و لوقت نهایت وضوح پرده خصوص
 انگلیس و ایران بالادقت به نتیجه های این دوره
 که خود بچشم دیدیم و چندمی گذشته که در این
 کنیم

حالا چه میکند
 تاکنون می میگردد که مقدم تمام مظالم او در این باشد
 و حالا که روس پس استبداد او از میان رفته و ناصر

برای الت شدن انگلیس نسبت خودش میخواهد که
 نازمیدان مظالم باشد و شده است عجز از نظر
 از خوف انانیت پروری بلوکیها سعی میکند که
 فنون روس از ایران خارج شود و از طرف
 بواسطه اینکه میخواهد سنگر بگردد به استعجابی
 روسها را بگیرد و بالاخره میخواهد تمام انگلیس جنوب
 شود هم روس شمال ببلاده این ظلم آزاده
 مایل است که دست بقفاز انداخته در آلمان و
 ایرازا که ممکن است از طرف آلمان باشد شده
 ولی سیهات : سیهات : هم در قفقاز و هم
 در عرب و مرکز ایران ترانها بنگ خورده و
 حواله خورد و علامت عدم موفقیت کار است
 و خود انگلیسها نمیدانند و نام هر وقت مقصی شد
 حواهم نوشت .

اینک بعد از تمام مرتب مگویم : ایرانیها
 همدید که تنها دشمن شما انگلیس است ؟
 آیا تصدیق دارید که این حیوان بگری میخواهد
 ما را بدرد و ببلعد ؟

آیا دشمن دین و دنیای خودتان را شناختید
 پس چرا آرام گرفته اید ! چرا آسوده نشسته
 قسم بمقدنات الهی که اگر ایرانی سربک بقدر
 نصف قوه خود برای مدفعه حاضر شود صفحی
 ایران از لوٹ وجود کیف تمام دشمنها پاک و
 ایران از آن ایرانیها خواهد شد .

قابل توجه نیست محترم دولت
 مسویرادین سفیر دولت بالثوکی مدتی است در
 طهران مقیم و گویا دولت ایران میخواهد در برسمیت
 تمام تصدیق نموده .

این سیاست پیرویه جالب حیرت است اگر
 ولیمان این باشد که دولت بالثوکی هنوز
 متوقفند پس دولت سابقه که ابداً وجود ندارد
 چرا سفیرش برسمیت می شناسید .

سفیر لژیون معدوم دارای رسمیت است سفیر
 روزمانی همچنین سفیر دولت منهدم شده رس
 بکذا ولی سفیر بالثوکی که امروز دولت مصلحتی
 دارد پذیرفته نمیشود چرا برای اینکه دولت
 انگلیس مایل نیست و سفیر بالثوکی برای الحاق
 معاهدات و فتح امتیازات بشود آمده و اینهم
 منافی با سیاست بزرگان امروزه مملکت است
 اگر دولت انگلیس مایل است مسویرادین بود
 بلاشبهه تاکنون برسمیت شناخته میشد .

ما از کابینه نجات که همان یگانه امید ایرانیها است
 منظریم که سفیر لژیون برسمیت شناخته و مسویرادین
 این خواستای ایران خراب کن دولت انگلیس
 را رعایت نمایند و باین مسئله اساسی مطنینی
 ما را مترا گلفند زیرا پذیرفتن سفیر بالثوکی
 دلیل تجاوز برف انگلیس و اینهم منافی بطرفی ایران است

مقالات که یکی از دل سوخندگان جنوب دارد
 مرستاد هم برب و طیفه و برای اطلاعی که از
 سوز دل نویسنده آن داریم بدون حرج و تعدیل
 عیناً درج نمودم و از عناصر صالحه مرکز که بدون
 شبهه از نوع سخن نگارنده خارجند معتد به شما ایم
 بنام جنوب ایران

طهران - و انتظار ما
 افق جنوب ایران را یک برطلانی و پشت نکی فرا گرفته

سرنا سر این مملکت را بصواعق آتشبار تمدید نماید!
 پنجه های سبغانه همایه جنوبی که از قدیم دستکشی نرم
 و ملایم خود داشته بود اینک غلاف رانداخته و سخت گوی
 خوب ایاز گرفته و با تمام قوت آن قیمت هم ایاز افشار
 قویش خود آورده و کسان کسان بندهش میخاند.
 نظری با وضاع خوب و نگاهی بعاقبت خویش دل
 بر ایرانی حساس ببرد آورده و پیش از همه سکوت و
 لاقیدی مرکزبان و عدم اطلاع ایرانیان بوجبات آتش
 و پیران را فرامیآورد!
 مسلم است که در آغاز سکه طهران مخاصم بیرون بود
 هر است بویج متوجه آنهاست و: از حوش نیست و عادت
 در ترقی این مملکت مدعی خط لایقین اند!
 با اندکی خود چو آن سستراک نمود که تمام لطافت طرد
 برابران، ناشی از عیاشی و تن پروری و لاقیدی طهران
 و خیانت همی از وطن فرودشان دنی الطعم است که
 این مرکز دون پرور آنها را مثل جان عزیز در آغوش گرفت
 و تمام ایاز تر فدی آنان نموده و ایران محبوب را بدین روش
 نشاند است!

طهران فاسته! ای مسؤل مبرزانی!
 ددیرانی! ای آمر قتل و غارت و سارت و حریق! ای
 مرکز ظلم و تجاوز! ای مور خیانت و وطن فرودی! ای مؤ
 فراغ و نضر و آلوده! ای موطن سپهسالار و دوثوق ابد
 در حیرت و شگفتی ایرانیان که جام صبرشان لبر زنده است
 اندیشه ما، از منصفت نرزدان و لاری اول و حافظین جرم ما
 بر خود طرز، و از لرزش غم و مرگ با افتخار برابر چشم
 خائین و نفروش مثل کن، لاقیدی و عیاشی را که در دیده
 دباخته دوره میشود متبذرت بقیفه خویش جبران ساز
 و ایرانیان را از این آتشبار و بی نظمی و فتنه خرابی بدر آور!
 ایران را بوجو چنین مرکزی عاریت، چه! مملکتی که
 انالی ایالات و ولایاتش یک ملک حاس - خونگرم - و خسته
 و فتح مسلمانرا تسکین میدهد. سکان پای تختش اینوزیرش

و تن پرور - خود خواه در دروغگو - غیر ثابت العقیده - چون
 و پول دست و دورو - بزرگو و کم کار که به مملکتی پاری بند نبود
 نمیخواهند مگر جهت شخصی، بنیانشند خیر طهران، ایران با تمام
 افتخار و عبادتس بر ساعتی راحت و آسایش بزرگ نموده
 و اگر ایران را آتش فر گرفته و نوا میس مقدمه شش اسرار جانب
 گردد! آمان تفریح و خیابانهای برگردد و عیار طهران از آتش
 نمیدهد، کوئی از حقیقت بوئی شانه آنان نرسیده است
 چه از عالم لفظ قدیمی و اثر بر بندهشته و تهاجمات و عادت
 و تبادول الفاظ قابل و ذکر معیار و نواقص میدانند!
 تمام اتهامات آنها در تحریر و جلب منافع شخصی و تحسین یک یکی
 و لویه تحمل بر سیاست و در کتاب هر روز است و در کوشش هر
 شئی نفسی باشد صرف میشود.
 از دیدن کیفیت طهرانی در خارج مرکز و شنیدن آن کلمات
 محسوطه و عبارات قابلی ادبی معقول گفته و تصور میکنند
 که طهران منبع سعادت - مرکز اجاره - ملذذ ترقیات مکتوبه
 و علوم و بلاخره گلخانه آدم سازی و حسن تربیت
 بکفتم بسوی طهران و تمانسانی بلا لایزال تمام این تصور
 از مغز خارج و قبول نویز گانش یک محله سموم، مرکز وطن
 فردی و خیانت - کرسی بطالت و دون نوازیست.
 سکه طهران بقصری در خیابانهای کثیف خود سرت و
 برضی در دولت مستغرقند که کوئی در فشان از قشون اجنبی
 عالی شده و بویب ترقیات و مملکتشان مفتوح گشته - سرحدشان
 مضبوط و قشون ساختوی آنها منظم - طرق و شوارع امن -
 حکام و خواه عالم و در کنسهای ایالات و ولایات بکومت
 مستقر و منسوب، انجمنهای ولایتی و با ملتشان و نرو
 پارلمانشان مفتوح، آبادی طنین مطهر و منافع مردمی
 آنان از تصرف فعاگران و غایبی خارج و دارای تمام مزایای انحصار
 و سعادتند!!

خدا را انصاف! مملکتی که اینگونه بریان -
 استقلالش سده و بحضرات، خویش مورد تفرص و تجاوز
 اجنبی و مالی ان با و بیبر یگانگان، حکام و قضایان خائن

بدخواه دست نین اجانب . مایه است صرفی ناکران
 فوشش مراتب تکلیف خود را کلاما سیر نموده . اعلی درجه
 صفر رسیده . بهادرش تجزی و تفریب این بیستایی
 انگلیسان مجازده خیالی مایید و حکام مایید و درین موقع
 محلی که باطن اسلام دشمن ایران را در زمان تصفح قدرت آن
 اسلام را برابر اسلامیان رسونوده . برای ایران معلوم ایران
 ستمیده مجال است و پازدن رسیدن آبا سزاوار است که
 مرکزانش این قسم سرخوش و بالهای پرازخنده تفریح کنان
 با بعضی حرکات شرم در دیگر حوض و طول خیابانها از خوشین
 پرکنند .

ایران با ای وطن محبوب ! تو را یک مرکزی در گار است
 که سکنه کن دارای حق اینست بوده نیز مغر و محقق و خیال باشد
 بر کز می توان امید آورد که المیش شکر بخریک بعضی بوده
 شرافت آزادی و قومیت با بر هر چیز ترجیح داده و با حق نیست
 از حقوق حقه از ناموس و وطن و دیانت خویش دفاع
 نموده و اخص بارغ و با صدای صغیفی که از اقوام یک ایرانی
 معلوم و جمله ترین زوایای این مملکت با سعه و بهر علم
 بلند شود هم آواز بوده و برای تحریک حس ملت هر جمع و عصر
 جوانش دست و دست در خیابانها و کوه مای آن بپروسی
 ملی شرم و در این با یک صمیمت و فعالیت با تمام وظیفه محول
 پارلمانس بودگهای حماس و شیرت شخون جزلنش از خوش
 و زود غالی و از مطالب علمی صغیفی . حتی . تجملی رادنی
 و... با مملکت سقیم تعقیب و پول ملت تا سببس و از خطابه
 و مقالات و سخن نهاد های عام الشعبی بهره نباشد .

آری مرکز یک مملکت باید خادوین را و حکم و تسویح نموده
 خائنین را به پیش پای نباشد .
 مرکز یک مملکت باید خد شکر از همه خوب بخدمت نموده
 و وطن خردش را ترک گوید .
 مرکز یک مملکت باید روابط خود را با تمام ایالات و ولایات
 محکم نماید .
 مرکز یک مملکت باید اجبا تمامی نقاطی زوایای مملکت را
 تحصیل نموده در حال آمان بی اطلاع نباشد

مرکز یک مملکت نباید راضی شود که ستمخانه و مملکتها این
 بدست اجنبیان اداره شود ، و آنان اخبار استوار شده بجا بود
 خود میسرسانند از اینرو بدخواه در لطف مملکت او را مات نمیز
 نموده و مرکز را بی اطلاع میگذرانند .

سنگ یک مملکت باید غیرت و شجاعت و وطن خواهی و خطا
 اندر مرکز خود رس بگیرد . تا که بدخلانی - نفاق - رسالت -
 سرزبری برابر دشمن از مرکز با ناسریت کند .
 از مرکز یک مملکت باید علم و معارف - و حقایق متنی و معالی
 معاطد دور و نزدیک نرس کند . تا تحریکات فاشانه و اشارت
 وطن فروشانه و اشارات استقلال بر بوده و راه نمایه ای
 بیان کن در ترویج و آشناء اخلاقات !

قشون جنوب باید از اقدامات و تحریکات مرکزیان هم دست
 باشد . تا که باغضال و زراه مکی بوده و با باخرد باغوا و خرمالغوا
 در حال تنقذ وطن فراموش باجرا ، مقصود کامیاب تجاود است
 خود را محکم نماید .

فرمانروا و بهر فغان باید از مرکز چشم رده و موحاب تسلط
 بیگانگان را خراب نماید و در نه آنکه جوید با و وعده با و ظلمت
 چند تقری از کوه نظران و کالت طلب را از فقیه و در شکم
 صعبودی معترضس لازم ساخته و ریش بد و نند !!!

در مرکز یک مملکت باید سببین سخائین یعنی اولاد و مانغرا
 و سرور نصرت و مایادی سائره انگت نما و سرزیر از اقدامات در خوش
 تقو و سیرا بوده سترکی بچویند تا که با سظهار اجنبیان با سترنگی
 میاید مردم قدم زده و از حرکات فاشانه او بیا و خود دفاع نموده
 ملاده حکومت تعاطد دیگر و بجهده ای همه منصوب کردند .

در مرکز یک مملکت اشخاصیکه با لبرامه بجانه فراموش حکومت را
 امضا و با متهای شیرینی و نفیوت اجانب بدل عهد نموده اند
 قبیل و ملوک الدوله و سپهسالار که قشون جنوب را نفیوت سوز
 انگلیت از با ناموس وطن دراز کرده اند نباید فرست و آنرا
 خاطر زنگانی نموده تا که از فراموشکاری و ملحدات ستری
 مرکز یان مد مانی بخمال وزارت افتاده و بر علیه یک گایض
 بزرگ و نه تحریکات بنامند !
 لای مرکز باید از راه قدر دانی و نقطه نظر تسویح خود مین با

سرافراز و بنام شهید، و محمولین در راه وطن - در راه - و آماجانه ها
روزنامه ها - تأسیس نموده و مجری آنها را در میدان آزادی گماشته
عمومی نصب بر زیر آن مجریه ها خطاب می مینج داد و امیر ارشد
و حب وطن تخریص نمایند.

ولی بد بخانه ومع للاف در شهر طهران از اینگونه نرایا اسم
درسی نبوده و ایش با این مطالب وقتی نهاده و محلولین ایران
بهدردی نموده و بد آن فکر خوب اسیر یعنی ایران قدیمی وضع
افکار ایرانیان نمی باشد!

ما جوانان اداره لا بدیم که بسیده آن نامه شریفه
مای مظلومان خود را بکوش برادران وطنی خود رسانیده و آنها را
بهدردی خوانده و مخصوصا جراند آذربایجان خراسان -
کردین - گرانسان را هم آواز نموده از ایرانیان وطن پرست
استاد و وز عوالمف دهنیه هموطنان استرام نامیم.

جمهورستان! استخوانهای جسد پور در زیر
پای اسپهالی اجسی استغاثه نمائید.

جمهورستان! نامه جوانان اسیر صحرای امان
غارت شده، گریه مادران جوان کشته و بچه های یتیم،
تاکنون مرکز را بر سر غیرت بنا کرده در آلمان اثری نمود
است!

جمهورستان شمالی! شما از قید سارت و تجاوری اجسی
نجات یافته و بشکری از این مومنت بحال برادران خوبی
اسیر رفت نموده و بدانان بهردی کنید!

جمهورستان! اوضاع جنوب رقت آور و در جواب
وقت است انگلیسین در جنوب با استحکام خویش کوشیده
و بدست غارتین مرکز به مال خود کامیاب همزدین را بر کوه
داده و تقوض خود را به عضو پاک ایرانی شیخ صفیخان -
را از خضرخان و ناصر دیوان برنده شده آن مجاهدین
بسی همت و غیرت و وطن پرستی شما امیدوار و بیاطین
اسلام سطرانند، پر شماست که موجدات پیشگرمی انانرا فراهم آورد
در ارضی شود ز آلمان هموطنان ببال خود مائل گردند
... اعضا، محفوظ -

اعلان

نمره - ۲۹۷۵

بموم مالی گیلان نظر بانکه از اتهام هیت اتحاد اسلام در ظل
دولت علیه ایران ادارات از حکومتی و اینته و نظمه و مالتیه و مالتیه و مالتیه
که مبرج نظلمات است در رشت و مضافات تشکیل شده
که با جدیت و فعالیت و وظایف خود بدون ملاحظه عمرا
اشغال دارند بعد الیوم ما را از قبول عراض خود معاف
دانست تا اوقات عزیز ما در مضافات موجدات استقلال ایران
در فعالیت عموم ملت مصروف کرد و در مظار جواب از
عراض خود که مبرج آنها ادارات است از طرف هیت نباشد
- هیت اتحاد اسلام -

اعلان

کلیه املاک و اراضی و خانه واقع در محل سرخسینده و
کنار آب صیقلان و شال کو که فعلا در دست کار ملائی میرزا
احمد ولد مرحوم حاج علی محمد آریلی است موافق اسناد معتبره
یک طلق یک پسراد آقا غلام حسین و یک دختر و متعلقه
آقا میرزا محمد علی خان پیر بازاری است که این دو نفر مالک
مانند سالهاست که به آقا کار ملائی میرزا احمد عاریه است
هر کس هر نوع معامله در املاک و خانه مرقومه با مشارالیه نمود
و بنا به از درجه اعتبار ساقط است و هر کس هم نسبت باملاک
و خانه مزبور حرفی داشته باشد باید بصاحبان مذکور اطلاع
کند - پیر بازاری -

تقریظ

جریده شریفه آذربایجان و فروردین از افی مطبوعات یادگوده
و ارومیه طالع کشته موفقیات مدبر و کارکنان آلمان را که
مقصودشان ترقی ایران و ایرانیان است از حد فزاید ملت نامیم

درخواست

بمات چهار و پنج جنگل لازم گردیده هر کس داشته باشد
در رشت راسته علاقه بند با معازره آقا میرزا جعفر نجفانی بد
قیس را شماره یکفران دریافت دارد.
از سایر ولایات با هیت فرستاده در عرض قیمت و
اجرت هیت نمبر فرستاده میبود از طرف دفتر اداره جنگل